کیهان

سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۴ □ ۵ محرم ۱۴۴۷ □ اول جولای ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۸۹۵

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۰۸، اذان مغرب: ۱۹/۴۵، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۵، اذان صبح(فردا): ۳/۰۷، طلوع آفتاب(فردا): ۴/۵۳

سیاستمدار عراقی: موساد تسلیحات ارتش عراق را می‌دزدد

عضو ائتلاف الانبار متحد اعلام کرد که موساد برای دومین‌بار مانع از رسیدن محموله تسلیحاتی دفاعی پیشرفته به ارتش عراق شد و آن را به نیروهای پیشمرگه منتقل کرد.

پیش‌تر کارشناس امور امنیتی عراقی خبر داده بود آمریکا در مقابل تسلیح‌وامضای قرارداد نیروهای عراقی باسایر کشورها ممانعت ایجاد می‌کند. حالا، به گزارش «ایسنا»، «احمد ستار دلیمی»، عضو ائتلاف الانبار متحد، دوشنبه، در گفت‌وگو با خبرگزاری «المعلومه» اعلام کرد موساد رژیم صهیونیستی برای دومین‌بار مانع از رسیدن محموله تسلیحاتی سبک‌وسنگین به ارتش عراق شد و آن را به نیروهای پیشمرگه منتقل کرد. او افزود این تسلیحات برای نیروهای نظامی که امنیت داخلی را حفظ می‌کنند، ضروری است؛ انگیزه‌های سیاسی پشت‌پرده جلوگیری از دسترسی ارتش عراق به تسلیحات پیشرفته وجود دارد که ممکن است امنیت رژیم صهیونیستی را تهدید کند. گفتنی است، رژیم صهیونیستی نگران است تسلیح ارتش عراق به سلاح‌های مدرن آزادی عمل این رژیم در عراق را تهدید کند!

روسیه دو شهروند آذربایجان را کُشت روابط دو کشور شکر آب شد

در پی کشته شدن ۲ شهروند جمهوری آذربایجان در روسیه به دست نیروهای امنیتی این کشور روابط بین دو کشور شکر آب شد.

وزارت خارجه جمهوری آذربایجان با صدور بیانیه‌ای نسبت به «عملیات خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی روسیه در شهر یکاترینبورگ» که منجر به کشته و زخمی‌شدن چندین شهروند این جمهوری و بازداشت ۹ نفر دیگر شد، ابراز «نگرانی شدید» کرد و خواستار «مجازات تمام عوامل دخیل» درباره این اقدام شد. طبق گزارش رسانه‌های این جمهوری، این واکنش در ادامه «نگرانی‌های شدید باکو نسبت به حمله نیروهای امنیتی روسیه به منازل آذربایجانی‌ها در یکاترینبورگ در تاریخ ۶ تیرماه» صورت گرفته است؛ عملیاتی که در آن ۲ شهروند آذری کشته، چند تن مجروح و دست‌کم ۹ نفر هم بازداشت شدند. روسیه اعلام کرده است این عملیات در ارتباط با «تحقیقات جنائی مربوط به سال‌های گذشته» انجام شده است. در پی این رویداد، وزارت فرهنگ جمهوری آذربایجان اعلام کرد که در اعتراض به این اقدام، تمامی رویدادهای فرهنگی روسیه در خاک آذربایجان لغو شده است.

نگاه

آمریکا و خلأ قانونی برای مهار یک رئیس‌جمهور روانی

مترجم: سیدمحمد امین‌آبادی

کنگره آمریکا باید قانونی را تصویب کند که به انتخاب و حفظ رئیس‌جمهوری باثبات در آینده کمک کند. این قانون می‌تواند مستلزم انجام آزمایش‌های عصب‌شناختی برای رؤسای‌جمهور باشد تا مشخص شود آیا از نظر روانی دچار اختلال یا بی‌ثباتی هستند یا نه. برای برداشتن چنین گامی، هر دو حزب باید از چارچوب فعلیِ «ترامپ در برابر بایدن» یا «جمهوری‌خواه در برابر دموکرات» فراتر بروند. تا زمانی که دموکرات‌ها، قانونی درباره ارزیابی سلامت روانی رئیس‌جمهور تدوین کنند و بخواهند آن را علیه ترامپ اعمال کنند، چنین طرحی از همان ابتدا شکست‌خورده است. این موضوع درباره جمهوری‌خواهان نیز صدق می‌کند، اگر آنها بخواهند با اثبات ناتوانی ذهنی بایدن، قوانین او را بی‌اعتبار کنند.

وضعیت روانی رئیس‌جمهور با امنیت ملی آمریکا گره خورده است؛ از جمله این نگرانی که او هنگام اتخاذ تصمیم‌های حیاتی- مثلاً آغاز جنگ هسته‌ای- به‌طور کامل آگاه و هوشیار نباشد. البته انتظار می‌رود که مشاوران رئیس‌جمهور چنین وضعیتی را تشخیص دهند و اقدامات لازم را انجام دهند، مگر اینکه این مشاوران صرفاً چاپلوس باشند. در حال حاضر، جمهوری‌خواهان، دموکرات‌هایی را که در دولت جو بایدن خدمت کرده‌اند، متهم می‌کنند که ضعف‌های ذهنی رو به افزایش او را پنهان کرده‌اند. این تلاش جمهوری‌خواهان در پی ترکیبی از سه رویداد شکل گرفته: عملکرد ضعیف بایدن در مناظره تلویزیونی با ترامپ، کناره‌گیری او از رقابت انتخاباتی و افشای اخیر درباره ابتلایش به سرطان پروستات. جمهوری‌خواهان با دو هدف به دنبال تحقیق درباره دولت بایدن هستند. هدف نخست کاملاً سیاسی است: آنها می‌خواهند تناقض‌ها در اظهارات اطرافیان بایدن را آشکار کنند تا بتوانند آنها را به دروغ‌گویی متهم نمایند. هدف دوم، اثبات بی‌ثباتی روانی بایدن است؛ اما این هدف دست‌نیافتنی است، زیرا هیچ تشخیص پزشکی عینی وجود ندارد که بتوان با آن سلامت ذهنی یک رئیس‌جمهور را به‌طور قطعی تعیین کرد.

استراتژی جمهوری‌خواهان بر افشای برخی دروغ‌ها و رسیدن به این نتیجه استوار است که بایدن از نظر ذهنی آن‌قدر ناتوان بوده که حتی متوجه نمی‌شده کارکنانش بدون اطلاع یا رضایت او، از طریق ماشین امضای خودکار (اتوپن) برای امضای اسناد قانونی مانند فرمان‌های اجرائی یا عفوها استفاده می‌کرده‌اند.

در پی این ادعاها، ترامپ از وزارت دادگستری دولت خود خواست تا تحقیقات گسترده‌ای را علیه جو بایدن و مقام‌های کاخ‌سفید به اتهام «خیانت» به دلیل پنهانکاری احتمالی در مورد وضعیت روانی بایدن آغاز کند. با این حال، ترامپ در مصاحبه‌ای با شبکه «ان‌بی‌سی» اذعان کرد که هیچ مدرک مشخصی در دست ندارد که نشان دهد سندی بدون اطلاع بایدن امضا شده، یا فردی در دولت سابق او دست به اقدام غیرقانونی زده باشد. جمهوری‌خواهان کنگره نیز به این حملات پیوسته‌اند. «جیمز کومر»، رئیس کمیته نظارت مجلس نمایندگان، برای پزشک بایدن و هشت مشاور و مقام ارشد دولت احضاریه صادر کرده تا در برابر کنگره درباره سلامت روانی بایدن شهادت دهند.

در مقابل، دموکرات‌ها این تحقیقات را تلاشی برای تضعیف سیاست‌های بایدن می‌دانند که جمهوری‌خواهان با آنها مخالف‌اند. از دید آنها، ترامپ و جمهوری‌خواهان انگیزه‌ای آشکاراً سیاسی دارند و در پی انتقام‌گیری از خانواده بایدن هستند. برخی دموکرات‌ها حتی موضعی تهاجمی گرفته‌اند؛ از جمله «گاوین نیوسام»، فرماندار کالیفرنیا، که در مصاحبه‌ای با شبکه فاکس لس‌آنجلس گفت ترامپ «دیگر کاملاً در وضعیت عادی ذهنی نیست» و او را «ناتوان از دنبال کردن یک خط فکری مشخص» توصیف کرد و افزود: «او چیزهایی را از خودش می‌سازد». نیوسام با این سخنان از صرفِ سردرگمی ذهنی ترامپ فراتر رفته و به نوعی توهّم‌گرایی و قطع ارتباط وی با واقعیت اشاره دارد. نگرانی اصلی او و بسیاری دیگر این است که آیا یک رئیس‌جمهور در چنین شرایطی قادر به اتخاذ تصمیمات منطقی و عقلانی هست یا نه؟

این پرسش پیش‌تر نیز در دوران ریاست‌جمهوری نخست ترامپ، به‌ویژه در جریان حمله به کنگره در ششم ژانویه ۲۰۲۰ (۱۷ دی ۱۳۹۹) مطرح شده بود. همان‌طور که «لیز چینی»، نماینده جمهوری‌خواه، اشاره کرد: «در آن روز، ترامپ هیچ دستوری برای اعزام گارد ملی صادر نکرد و هیچ تلاشی برای هماهنگی با وزارت دادگستری جهت اعزام نیروهای انتظامی صورت نداد.» این رویداد بار دیگر نگرانی‌ها درباره توانایی روانی رئیس‌جمهور در موقعیت‌های بحرانی را برجسته کرد. ۱۱ تن از نزدیک‌ترین مشاوران ترامپ، از جمله وزرای آموزش و حمل‌ونقل، در پی ناتوانی او در واکنش قاطع به شورش ۶ ژانویه، استعفا کردند و حاضر نشدند به خدمت در دولت او ادامه دهند. در همان زمان، برخی از مقامات کاخ‌سفید از «مایک پنس»، معاون رئیس‌جمهور، خواستند که متمم ۲۵ قانون اساسی آمریکا را فعال کند؛ اقدامی که به او اجازه می‌داد به‌طور قانونی وظایف رئیس‌جمهور را در زمانی که او قادر به انجام آنها نیست، برعهده بگیرد. اما پنس از این کار امتناع کرد. با این حال، اندیشکده محافظه‌کار کاتو استدلال کرد که «پنس» می‌بایست در روز ۶ ژانویه متمم ۲۵ قانون اساسی آمریکا را به کار می‌گرفت.

به گفته اندیشکده «کاتو»، پنس در عوض، «در میانه یک بحران قانون اساسی خشونت‌بار، آشکارا اختیار رئیس‌جمهور را غصب کرد» تا اقداماتی را انجام دهد که به گفته «لیز چینی» به‌شدت ضروری بود. پنس این کار را بدون طی مراحل قانونی و رسمی انجام داد، «و به نظر می‌رسد بقیه نهادهای دولت، از جمله ارتش، نیز با او همراهی کردند». متمم ۲۵ قانون اساسی ایالات‌متحده در سال ۱۹۶۷ و پس از ترور جان اف.کندی تصویب شد. «برچ بای»سناتور دموکرات، پیشگام تدوین این متمم بود. پیش از آن، سه رئیس‌جمهور دیگر «جیمز گارفیلد»، «ویلیام مک‌کینلی» و «وودرو ویلسون» نیز به دلیل بیماری یا جراحات ناشی از سوءقصد، توانایی جسمی یا روانی لازم برای انجام وظایف خود را از دست داده بودند. این متمم به‌منظور فراهم‌کردن راهکاری قانونی برای چنین شرایطی تدوین شد، تا کشور آمریکا در دوران ناتوانی رئیس‌جمهور دچار بحران مدیریتی نشود. قانون اساسی آمریکا تصریح می‌کند که در صورت «ناتوانی رئیس‌جمهور از انجام اختیارات و وظایف خود»، این اختیارات به معاون رئیس‌جمهور واگذار می‌شود. با این حال، در تمام موارد گذشته که رئیس‌جمهوری از انجام وظایفش ناتوان بوده، معاونان او از جایگزینی‌اش خودداری کرده‌اند. دلیل این امتناع اغلب به این نگرانی بازمی‌گردد که مبادا به عنوان غاصب قدرت تلقی شوند.

نویسندگان متمم ۲۵ قانون اساسی این واقعیت را پذیرفته بودند که تفسیر واژه «ناتوانی» می‌تواند شکل‌های گوناگونی داشته باشد. از این‌رو، تصمیم‌گیری درباره بی‌کفایتی یک رئیس‌جمهور را به فرآیندی سیاسی واگذار کردند. در این فرآیند، معاون رئیس‌جمهور همراه با اکثریتی از اعضای کابینه، نامه‌ای به کنگره ارسال می‌کنند و توضیح می‌دهند که چرا معاون باید به‌عنوان «رئیس‌جمهور موقت» جایگزین رئیس‌جمهور شود. اگر کنگره طی سه هفته و با رأی دوسوم در هر دو مجلس این درخواست را تأیید کند، فرآیند قانونی جایگزینی رئیس‌جمهور تکمیل می‌شود. این متمم فرآیندی منطقی و ساختارمند ارائه می‌دهد. اما در عمل، فرض را بر آن گذاشته است که کنگره تصمیمی فراجناحی خواهد گرفت و اعضای حزب رئیس‌جمهور نیز در صورت لزوم، به برکناری او رأی خواهند داد. همچنین فرض می‌شود که اکثریت وزرای کابینه، اگر رئیس‌جمهور ناتوان باشد، مسئولانه عمل خواهند کرد. ولی این فرض در شرایطی که رئیس‌جمهور همه وزرا را به دلیل وفاداری شخصی- نه تعهد به نهادهای دولتی مانند دادگاه‌ها- انتخاب کرده باشد، چندان واقع‌بینانه نیست. با این حال، تنها یک مقام در کاخ‌سفید که مستقیماً توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شود، از او انتظار می‌رود بیشتر به نهادها وفادار باشد تا به خود رئیس‌جمهور: پزشک کاخ‌سفید. این مقام باید به استانداردهای پزشکی پایبند بماند، نه به خواسته‌های سیاسی رئیس‌جمهور.

بر اساس تجربه «کولمن» پزشک پیشین کاخ‌سفید، یک رئیس‌جمهور باید از توانایی ذهنی برای ارزیابی موقعیت‌های پیچیده، تدوین طرح، و بررسی گزینه‌ها و پیامدهای احتمالی برخوردار باشد. دستورات باید بموقع صادر شوند تا مؤثر واقع شوند. در چارچوب قانونی فعلی، نمی‌توان تعیین کرد که آیا یک رئیس‌جمهور به دلیل شرایط پزشکی قادر به تصمیم‌گیری نیست، یا صرفاً تصمیمات بدی می‌گیرد. هیچ الزام قانونی برای انجام معاینات سالیانه پزشکی توسط رئیس‌جمهور وجود ندارد. متمم ۲۵ قانون اساسی به کنگره اجازه می‌دهد هیئتی برای ارزیابی سلامت روانی رئیس‌جمهور تشکیل دهد، اما چنین هیئتی تاکنون شکل نگرفته است. مسئله بنیادینی که هر دو حزب باید به آن بپردازند این است که چگونه می‌توان جلوی یک رئیس‌جمهور ناتوان ذهنی را از به‌خطر انداختن کشور گرفت. ترامپ نمونه‌ای آشکار از ناکارآمدی متمم ۲۵ است. اجرای آن نیازمند حمایت گسترده از سوی حزب خودِ رئیس‌جمهور است؛ چیزی که تاریخ نشان داده به ندرت اتفاق می‌افتد.

منبع: کانترپانچ

گزارش خبری کیهان

جولان راست‌های افراطی در فرانسه تندروها قصد داشتند ۲۰۰ امام جماعت را ترور کنند

سرویس خارجی-

جریان راست افراطی در فرانسه با اقدامات خود به جنگ نژادی و مذهبی در فرانسه دامن می‌زند. براساس گزارشی، برنامه‌های افرادِ این جریان افراطی شامل قتل ۲۰۰ امام جماعت، حمله به مساجد و مسموم کردن غذای حلال بوده است!

در تاریخ معاصر فرانسه، گروه‌های راست افراطی ریشه‌هایی عمیق در تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور دارند، ریشه‌هایی که از حیثی به دوران پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه استقلال کشورهای مستعمره فرانسه در شمال آفریقا بازمی‌گردد. یکی از نقاط عطف در ظهور این جریان‌ها، بحران الجزایر (۱۹۵۴-۱۹۶۲) و استقلال آن بود که موجی از مهاجرت شهروندان الجزایری و دیگر مسلمانان مغرب عربی را به فرانسه به دنبال داشت. این مهاجرت‌ها در دهه‌های بعد، به‌ویژه در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، با بحران‌های اقتصادی، افزایش بیکاری و تحولات اجتماعی همزمان شد و باعث شکل‌گیری «گفتمان»هایی شد که «دیگری» مسلمان را تهدیدی برای هویت ملی، فرهنگ و اقتصاد بومی فرانسه تلقی می‌کردند. در همین بستر، گروه‌هایی چون «جبهه ملی» (FN)به رهبری «ژان-ماری لوپن» شکل گرفتند که با شعارهای ناسیونالیستیِ افراطی، ضد مهاجرت، ضد اسلام و ضد جهانی‌سازی، به سرعتَ در بین اقشار خاصی از جامعه جایگاه یافتند. این جریان‌ها، اسلام را نه به عنوان دین، بلکه به‌عنوان یک خطر تمدنی و تهدیدی برای ارزش‌های جمهوری لائیک فرانسه بازنمایی کردند و از این طریق بر نژادپرستی فرهنگی و اسلام‌هراسی ساختاری دامن زدند.

از دهه ۱۹۹۰ به بعد، اسلام‌هراسی در فرانسه دیگر تنها در نظم گفتارهای حاشیه‌ای راست افراطی محدود نبود، بلکه تدریجاً در سیاست‌های رسمی دولت‌ها و رسانه‌های جریان اصلی نیز نفوذ یافت. وقایعی چون حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شورش‌های حومه‌نشین‌ها (banlieues) در ۲۰۰۵، و حملات تروریستی پاریس در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، بهانه‌ای برای تشدید قوانین ضد مهاجرت و محدودسازی نمادهای اسلامی نظیر حجاب و نماز در اماکن عمومی فراهم کرد، قوانینی که با توجیه حفظ لائیسیته (سکولاریسم فرانسوی) وضع شدند، اما در عمل به تبعیض ساختاری علیه مسلمانان انجامیدند. در این میان، گروه‌های راست افراطی مدرن مانند «هویت‌گرایان» (Les Identitaires) با بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی و مفاهیم نئوفاشیستی بازتعریف‌شده، اسلام را دشمن مشترک تمدن غرب معرفی کرده و سیاست‌های حذف‌گرایانه خود را تحت عنوان «دفاع از تمدن اروپایی» توجیه کردند. بدین‌ترتیب، اسلام‌هراسی در فرانسه نه‌تنها به یکی از ابزارهای اصلی بسیج سیاسی راست افراطی بدل شد، بلکه در سایه تحولات بین‌المللی و چالش‌های هویتی داخلی، به پدیده‌ای نهادینه و مزمن در گفتمان عمومی فرانسه تبدیل گردید.

گزارشی تکان‌دهنده

مجله «پولیتیس» اعلام کرد دفتر دادستانی ملی مبارزه با تروریسم در جریان محاکمه گروه راست افراطی موسوم به «نیروهای عملیاتی اقدام» (AFO) به اتهام تشکیل «انجمن تروریستی جنایی»، مفهوم «شتاب‌گرایی» را برای توصیف ایدئولوژی کسانی که حملات ضد اسلامی را برنامه‌ریزی می‌کنند، برجسته کرده است. اوایل ماه جاری میلادی، محاکمه ۱۶ عضو AFO در دادگاه جنائی پاریس آغاز شد. برنامه‌های این افراد شامل قتل ۲۰۰ امام جماعت، حمله به مساجد و مسموم کردن غذای حلال بود. طبق گزارش یوروپل در سال ۲۰۲۴، این جریان فکری «جدی‌ترین تهدید» در میان انواع تروریسم راست افراطی است. «استفان فرانسوا»، استاد علوم سیاسی و متخصص تروریسم راست افراطی، می‌گوید که این جریان اقدام خشونت‌آمیز را راهی می‌بیند که جنبش تضعیفِ سیستم موجود را تسریع می‌کند. این نویسنده خاطرنشان می‌کند که این جنبش محدود به راست افراطی نیست، بلکه تا حدودی از مارکسیسم سرچشمه می‌گیرد. استراتژی آن تسریع سرمایه‌داری و نابودی آن زیر بار تناقضات آن است. آن‌طور که «ایکنا» نوشته است، به گفته این نویسنده، این جریان ناشی از یک نظر فاجعه‌بار از آینده است که توسط یک دکترین باطنی که نژاد را تقدیس می‌کند، هدایت می‌شود و به دهه ۱۹۷۰ در ایتالیا برمی‌گردد.

جالب توجه است که این جنبش راست افراطی با مطالب مطرح شده در چند کتاب در آمریکا شکوفا شد که اولین آن رمان «خاطرات ترنر» نوشته «اندرو مک‌دونالد» است که کودتایی به رهبری سفیدپوستان در آمریکا سیاه‌پوستان را توصیف می‌کند. کتاب دیگر مانیفست «محاصره» است که توسط «جیمز میسون»، نئونازی آمریکایی، در سال ۱۹۹۳ نوشته شده و خواستار خشونت نژادپرستانه علیه «سیستم» برای ایجاد یک «تاسیونالیسم نژادیِ» الهام گرفته از رایش سوم است. همچنین باید توجه داشت که در جلسات دادرسی متوالی اعضای این گروه، متهمان موضوع ابراز نگرانی بابت وقوع جنگ داخلی را برجسته کرده‌اند تا از اتهامات مطرح شده توسط دفتر دادستانی ملی ضد تروریسم مبنی بر برنامه‌ریزی اقدامات خشونت‌آمیز علیه جامعه مسلمانان طفره بروند. باری، با نظر به دفاعیات آنان، ارتباطات فکری آنان با نژادپرستی آمریکایی را نیز می‌توان دید.

گفتنی است، آنچه در ماجرای افشای طرح‌های تروریستی گروه راست افراطی AFO در فرانسه آشکار می‌شود، صرفاً یک تهدید امنیتی نیست، بلکه نشانه‌ای هشداردهنده از وخامت بحران ایدئولوژیک و هویتی در غرب است، بحرانی که در آن مفاهیم انحراف‌یافته‌ای چون «دفاع از تمدن» به ابزاری برای توجیه خشونت نژادپرستانه و مذهبی بدل شده‌اند. پدیده‌ای که ریشه در دهه‌ها اسلام‌هراسی نهادینه‌شده، سکوت ساختاری در برابر تبعیض، و مشروعیت یافتن تدریجی نظم گفتارهای حذفی دارد، اکنون به مرحله‌ای رسیده که قتلِ عام هدفمند اقلیت‌ها در خاک کشوری مدعی حقوق بشر را علناً در قالب برنامه‌ریزی‌های دقیق به‌تصویر می‌کشد. پیوندهای فکری این جریان با نژادپرستی آمریکایی و نئونازیسم دهه‌های گذشته، حاکی از آن است که این تهدید تنها پدیده‌ای بومی نیست، بلکه بخشی از یک جنبش فراملی و سازمان‌یافته است که از تلاقی افراط‌گرایی غربی، شبکه‌های رسانه‌ای آلوده، و بحران مشروعیت فرهنگی در جوامع لائیک تغذیه می‌کند. اگرچه محاکمه این افراد شاید مثبت تفسیر شود، اما تا زمانی که بسترهای فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای مولد این تفکر در سطح کلان اصلاح نشوند، چنین جریان‌هایی همچنان توان بازتولید خشونت، نفرت و ترور را خواهند داشت. تا زمانی که نظام‌های غربی همچنان از مواجهه ریشه‌ای با مسئله تبعیض نژادی، استعمار تاریخی و بحران معنای لائیسیته سر باز زنند، پروژه‌هایی چون «اسلام‌زدایی» از جامعه و حملات ساختاری به جوامع مسلمان، همچنان در قالب‌های جدید، بازتولید خواهند شد؛ چه در قالب سیاست‌های قانونی و چه در قامت سلول‌های تروریستی مخفی. این واقعیت که برخی متهمان در دادگاه‌های اخیر با استناد به ترس از «جنگ داخلی» یا «فروپاشی اجتماعی» سعی در توجیه اعمال خود داشتند، نشان می‌دهد که این جنبش‌ها صرفاً محصول انزوا یا انحراف فردی نیستند، بلکه از دل یک بستر عمومی‌تر بیرون آمده‌اند که در آن مسلمانان و مهاجران نه شهروند، بلکه دشمنان بالقوه تلقی می‌شوند. از سوی دیگر، سکوت یا گاه همدلی برخی نهادهای رسانه‌ای و سیاسی با این جریان‌ها، به آنان نوعی مشروعیت ضمنی بخشیده است.

زمزمه‌های دیدار جولانی با نتانیاهو!

سرویس خارجی-

رسانه‌های رژیم صهیونیستی از دیدار خاخام سرشناس آمریکایی با سرکرده «هیئت تحریرالشام» در دمشق و ارائه پیشنهاد برگزاری دیدار سه‌جانبه میان وی و نتانیاهو به همراه رئیس‌جمهور آمریکا پرده برداشتند.

«ابومحمد جولانی»، رهبر سابق گروه تروریستی «جبهه النصره»، فرمانده فعلی هیئت تروریستی تکفیریِ «تحریرالشام» و رهبر خودخوانده سوریه، شخصیتی است که در سال‌های اخیر به طرز قابل‌توجهی از ادا و اطوارهای جهادی کلاسیک فاصله گرفته و در مسیر دیگری حرکت کرده است که ارتباطات پنهان با دولت‌های خارجی، از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی را عیان کرده است. گرچه این روابط به طور «رسمی» هیچ‌گاه اعلام نشده بودند، اما شواهد میدانی و تحلیل‌های نهادهای اطلاعاتی منطقه‌ای و بین‌المللی حاکی از آن است که جولانی- که تا همین چند سال پیش سر می‌بُرید و به اُسرا تیر خلاص می‌زد- در چارچوب یک استراتژی تطهیریافته و به کمک مراکز اطلاعاتی انگلیس، تلاش کرده است تا خود و گروهش را به‌عنوان نیرویی محلی، عمل‌گرا و جهانی معرفی کند! تا مورد پذیرش قرار گیرد. این رویکرد، در سکوت چشم‌گیر او و گروه تحت رهبری‌اش در برابر حملات مکرر رژیم اسرائیل به خاک سوریه تجلی پیدا کرده است. در سال‌های اخیر، برخلاف بسیاری از گروه‌های مقاومت در منطقه که به صراحت رژیم اسرائیل را دشمن اصلی معرفی می‌کنند، جولانی نه‌تنها موضع‌گیری آشکاری علیه این رژیم منحوس اتخاذ نکرده، بلکه عملاً با تمرکز بر درگیری‌های درون‌سوری و پرهیز از هرگونه تقابل با منافع غرب و رژیم صهیونیستی، فضائی امن برای ادامه عملیات‌های این رژیم در حریم هوائی و خاک سوریه فراهم آورده است. این سکوت و مماشات، از دید بسیاری از ناظران منطقه‌ای، نشان‌دهنده نوعی هم‌راستایی غیررسمی با استراتژی‌های تل‌آویو برای تضعیف محور مقاومت و حفظ منطقه‌ای حائل در مرزهای شمالی فلسطین اشغالی است، منطقه‌ای که با سلطه تروریست‌های تحریرالشام، عملاً از حضور نیروهای نزدیک به ایران یا دولت دمشق خالی شده و تهدیدی برای امنیت صهیونیست‌ها به‌شمار نمی‌رود.

پیشنهاد خاخام!

رسانه‌های رژیم صهیونیستی گزارش دادند که «آبراهام کوپر»، خاخام آمریکایی، اخیراً به سوریه سفر و با «احمد الشرع» معروف به «ابومحمد جولانی»، سرکرده گروه تروریستی هیئت تحریرالشام که خود را رئیس موقت سوریه می‌خواند، دیدار کرده است. کوپر که به محافل راست‌گرای آمریکا نزدیک است، پیشنهاد دیدار میان جولانی و «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، را در واشنگتن مطرح کرده است. کوپر مدعی شده است که این دیدار منوط به حضور و نظارت مستقیم «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا است. او همچنین افزود که سوریه ممکن است در صورت دریافت تضمین‌هایی از ترامپ درباره حمایت از تلاش‌های بازسازی این کشور، روابط خود با رژیم صهیونیستی را مورد بازنگری قرار دهد. کوپر همچنین مدعی شده است که «اقدامات همکاری» با رژیم صهیونیستی در زمینه‌های آب، کشاورزی و پرونده مفقودان را با مقامات سوری مطرح کرده است. آن‌طور که «ایسنا» نوشته است، بر اساس این گزارش‌ها، وزیر خارجه سوریه نیز علاقه‌مندی خود را به بازسازی کنیسه‌های یهودی در سوریه ابراز و احتمال سازماندهی سفر یهودیان به سوریه در «زمان مناسب» را مطرح کرده است. طبق گزارش رسانه‌های صهیونیستی، جولانی نیز تأکید کرده است که سوریه خواهان «صلح» است و حل منازعه با رژیم صهیونیستی اولویت دمشق باقی خواهد ماند. البته تمام این اتفاقات برای کسانی که تحولات سوریه را دنبال کرده‌اند اصلاً عجیب نیست. مؤیدات دیگری نیز در سطور آتی برای نشان دادن خط‌مشی خاص تروریست‌های حاکم بر سوریه در قبال رژیم آپارتاید اسرائیل خواهد آمد.

جولانی تنفری از اسرائیل ندارد؛ عادی‌سازی ضروری است

فرستاده آمریکا به سوریه روز یکشنبه در سخنانی بر لزوم دستیابی سوریه و لبنان به توافق صلح با رژیم صهیونیستی تأکید کرد. «تام باراک»، فرستاده آمریکا به سوریه، مدعی شد که بعد از جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی، انعقاد توافق‌های صلح میان رژیم صهیونیستی با سوریه و لبنان «ضروری» شده است. وی تأکید کرد که «احمد الشرع» (ابومحمد جولانی) گفته است که نفرتی از اسرائیل ندارد و او خواهان صلح در این مرزها است. من معتقدم که این امر با لبنان نیز رخ خواهد داد. توافق با اسرائیل امری ضروری است. وی همچنین مدعی شد: «من معتقدم که ما راه‌حلی را تا اواخر سال پیدا خواهیم کرد.»

جزئیات جدید مذاکرات جولانی با صهیونیست‌ها

به گزارش «مهر» به نقل از «اسپوتنیک»، رسانه‌های صهیونیستی روز دوشنبه از جزئیات جدید مذاکرات غیرمستقیم جاری میان رژیم صهیونیستی و محمد جولانی خبر دادند و اعلام کردند که این مذاکرات در طول هفته‌های اخیر پیشرفت چشمگیری را شاهد بوده است. سایت صهیونیستی «Ynet» به نقل از مسئولان بلندپایه این رژیم نوشت که جولانی خواستار توافقی با خروج کامل اشغالگران صهیونیستی از بلندی‌های جولان است. البته این اخبار در شرایطی مطرح می‌شود که وزیر امور خارجه رژیم اشغالگر بار دیگر ادعاهای خود درباره بلندی‌های جولان اشغالی را مطرح و اظهار کرد: «ما در هیچ توافق صلحی درباره بلندی‌های جولان صحبت نخواهیم کرد. اسرائیل در هر گونه توافقی جولان را حفظ خواهد کرد.» این رسانه‌ها اعلام کردند که مذاکرات کنونی با مشارکت آمریکا عمدتاً بر مسائل امنیتی متمرکز است و توافقنامه فراگیر را شامل نمی‌شود. Ynet به گزارش‌های قبلی منتشر شده در روزنامه سعودی «شرق الاوسط» اشاره کرد که به نقل از حاکمان کنونی سوریه تأکید شده بود مذاکرات جاری با وساطت برخی طرف‌های عربی و بین‌المللی صورت گرفته است و جولانی خواستار توقف نفوذها و حملات رژیم صهیونیستی به سوریه و بازگشت به توافقنامه سال ۱۹۷۴ شده است.

پشت‌پرده سوءقصد به جان جولانی

خبر دیگر از سوریه آن‌که رای‌الیوم در مطلبی با اشاره به خبر منتشرشده در رسانه‌ها درباره خنثی‌سازی ترور احمد الشرع و تکذیب سریع آن از سوی رسانه‌های وابسته به جولانی، آورده است: «چرا سوءقصدهای متوالی علیه الشرع انجام می‌شود و چرا ترک‌ها از آخرین تلاش در درعا خبر دادند در حالی که رسانه‌های جولانی آنرا تکذیب کردند؟ راز هراس واشنگتن از ترور الشرع چیست و آیا سرانجام او همانند انور سادات خواهد بود که به دست خالد اسلامبولی کشته شد؟ علامت‌های سؤال زیادی درباره دلایل پشت‌پرده سوءقصد به جان جولانی رئیس دولت موقت سوریه و اینکه آیا این اقدامات، تلاش‌هایی واقعی هستند که شکست خواهد خورد یا صرفاً یک نمایش رسانه‌ای برای ایجاد نگرانی درباره وضعیت سوریه پس از ترور الشرع است؟ نکته قابل‌توجه اینکه خبر مذکور از سوی رسانه‌های ترکیه و روزنامه استقلال ترکیه منتشر شده است و طبق گزارش این رسانه، ترور الشرع در لحظات آخرین با عملیات اطلاعاتی ترکیه و سوریه خنثی شده است. به نوشته این رسانه ترکیه‌ای این طرح در حومه درعا تدارک دیده شده است، منطقه‌ای که گروه‌های مسلح در آن هستند و عامل آن نیز یک داعشی بوده است. تلاش‌ها برای ترور الشرع گواهی بر این است که سوریه با مشکلات امنیتی دست‌وپنجه نرم می‌کند و گزارش‌های متوالی از قتل، آدم‌ربایی، شکنجه، خفقان طایفه‌ای مخابره شده است. راس قدرت در سوریه توان حمایت از خود را ندارد. طبق گزارش رسانه‌ها جولانی دو بار از زمان تکیه زدن بر کرسی قدرت در سوریه در معرض ترور قرار گرفته است و در ماه مارس نیز هدف سوءقصد قرار گرفته است. این‌که دمشق سریع این اخبار را تکذیب می‌کند به این دلیل است که وانمود کند، اوضاع امنیتی در سوریه تحت کنترل است.»

پولیتیکو گزارش می‌دهد

رویکرد تجاری جدید اروپا؛ خدا حافظ آمریکا، سلام آسیا

خبرگزاری دیجیتال و آمریکایی «پولیتیکو» در گزارشی با اشاره به تشدید اختلاف‌ها بین آمریکا و اروپا، نوشته است؛ اتحادیه اروپا از آمریکا فاصله گرفته و به سمت چین متمایل شده است.

سیاست‌های ترامپ جدای از این که خود آمریکا را به آشوب کشیده، در عرصه سیاست خارجی نیز موجب شده است متحدین سنتی از این کشور فاصله بگیرند. بسیاری از کارشناسان زمانی که جنگ تعرفه‌ای ترامپ علیه بخش وسیعی از جهان شروع شد، پیش‌بینی کردند که این جنگ تجاری در نهایت به نفع چین تمام خواهد شد و جدای از این که بازار را از کالاهای چینی پر خواهد کرد، موجب خواهد شد متحدین سنتی واشنگتن در اروپا و آسیا در جست‌وجوی متحد قابل اعتماد جدید به سمت چین متمایل شوند. در همین راستا طی دو ماه گذشته بارها مقامات اروپایی از شروع فصل جدیدی از روابط اتحادیه اروپا با چین سخن گفته‌اند.

خبرگزاری دیجیتال و آمریکایی «پولیتیکو» در همین رابطه با اشاره به شکاف در دو سوی آتلانتیک نوشته است: «اروپا از تهدیدهای تجاری دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا خسته شده و روش‌هایی را برای رویکرد جسورانه به سمت شرق و فاصله گرفتن از غرب با هدف شرکای جدیدی که به مقررات بازی پایبند هستند، بررسی می‌کند... تعرفه‌های یکجانبه و خودسرانه ترامپ که می‌تواند در صورت شکست مذاکرات، آمریکا و اتحادیه اروپا در دستیابی به یک توافق تجاری از ۹ ژوئیه (۱۸ تیر) تا ۱۵درصد افزایش یابد. این مسئله صبر و اراده اورسلا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا را به سر آورده و وی در پاسخ خواهان همکاری با پیمان جامع و مترقی مشارکت «ترانس پاسیفیک» (گروه تجاری متشکل از کشورهای همکفر همچون ژاپن، استرالیا، کانادا و مکزیک) شده است. آن‌طور که ایرنا به نقل از «پولیتیکو» نوشته است، ۳۹ کشور عضو اتحادیه اروپا و اعضای «پیمان جامع مشارکت اقتصادی اقیانوس آرام» در مجموع ۳۰درصد از تجارت جهانی را تشکیل می‌دهند. حامیان این توافق معتقدند که تشکیل